

ولادت حضرت ابوالفضل (علیه السلام)

<?xml encoding="UTF-8?">



ولادت

چهارم شعبان، سال روز ولادت پرچم دار بزرگ کربلا، حضرت عباس بن علی (علیه السلام) است. عباس بن علی (علیه السلام) در سال 26 هجری قمری، در مدینه، دیده به جهان گشود. وی در دامن امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و مادر گرامی اش به گونه ای پرورش یافت که به مظهر غیرت، ایثار و شجاعت، بدل گشت. عباس بن علی (علیه السلام) در طول حیات خویش از محضر پدر و برادرانش، بیشترین بهره را برد و جامع فضایل نیکو گردید. آن بزرگوار آن چه را از محضر آن سه امام معصوم آموخته بود، در کربلا آشکار ساخت و حماسه ساز نام آور عاشورای حسینی شد.

طلوع ماه در مدینه

عباس (علیه السلام) فرزند امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در چهارمین روز از شعبان سال 26 هجری قمری، دیده به جهان گشود. میلاد عباس، نوری دیگر به این هستی بخشید و دل های شیفتگان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از شور و عشق، لبریز گشت. چهره ی علاقه مندان اهل بیت ((علیهم السلام)) را شبنم شادی فراگرفته بود و هریک برای دیدار نورسیده ی مولای خویش بر یکدیگر، پیشی می گرفتند. هنگامی که نسیم اذان و اقامه بر روان پاک و سپید این طفل نیک بخت فرو نشست، امام علی (علیه السلام) با واژه ای مهرآفرین، نام فرزند خود را عباس نهاد. عباس یعنی شیر بیشه ی شجاعت و قهرمان میدان نبرد.

دوران کودکی

باید در لحظه لحظه ی دوران کودکی عباس (علیه السلام)، به دقت اندیشید؛ زیرا در همه ی این دوران شیرین و حساس زیر نظر و عنایت کانون عصمت و طهارت بوده است. او در دوران کودکی از دانش و زهد و تقوا و ایثار و عبادت و شجاعت پدر - که آیت بی همتای همه ی کمال بشری است - الهام می گیرد و می کوشد خود را آن گونه بپروراند که ایده آل و مطلوب پدری بزرگوار چون علی است.

فضایل

پرچم دار کربلا و پاسدار حرم اهل بیت مصطفی (صلی الله علیه و آله)؛ حضرت عباس (علیه السلام) ویژگی ها و فضایل فراوانی دارد که القاب و کنیه های آن حضرت، نشان گر برخی از آن هاست. ماه بنی هاشم، از جمال او حکایت دارد. سقای کربلا، از فداکاری عباس (علیه السلام) در رساندن آب به اهل بیت (علیهم السلام) حکایت می کند. قهرمان علقمه و پرچم دار کربلا، شجاعتش را بازگو می کند. پاسدار حرم، گواه جانبازی او در راه اهل بیت (علیهم السلام) است. باب الحوایج، شکوه او را نزد خداوند، نشان می دهد و سرانجام، عبد صالح، از عظمت معنوی عباس بن علی (علیه السلام) حکایت دارد.

عباس (علیه السلام) در کلام امام سجاد (علیه السلام)

بزرگی و عظمت مقام عباس بن علی (علیه السلام) به گونه ای است که امامان معصوم (علیهم السلام) در موارد متعدد بر فداکاری ها، جانبازی ها و عظمت شخصیت آن بزرگوار تأکید فرموده اند. امام سجاد (علیه السلام) که خود در کربلا حضور داشت و شاهد فداکاری های عمویش بود، درباره ی حضرت عباس (علیه السلام) می فرماید: «خداوند، عمویم عباس را رحمت کند که با ایثار و جانبازی، در راه برادرش جانبازی کرد تا آن که دست هایش قطع شد و خداوند به جای آن، دو بال به او داد که با آن ها به همراه فرشتگان در بهشت پرواز کند؛ همان گونه که برای جعفر بن ابوطالب قرار داده شد. عباس را در پیشگاه خداوند منزلتی است که در روز قیامت، همه ی شهدا به آن غبطه می خورند».

عباس (علیه السلام) در کلام امام صادق (علیه السلام)

امام صادق (علیه السلام) ، حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) را به عنوان کسی معرفی می کند که از ایمان استوار و بینش نافذ برخوردار بوده و در راه امام بزرگوارش به جهاد برخاسته است. ایشان می فرماید: «عمومیم؛ عباس، بصیرتی نافذ و ایمانی محکم داشت. او به همراه برادرش حسین (علیه السلام) جهاد کرد و به افتخار شهادت رسید». آن حضرت هم چنین درباره ی اخلاص و ارزش جهاد حضرت عباس (علیه السلام) می فرماید: «شهادت می دهم و خدا را شاهد می گیرم که تو در راه جنگجویان بدر و مجاهدان راه خدا گام نهادی و در جهاد با دشمنان خدا، اخلاص ورزیدی و در نصرت اولیای خدا، خلوص نشان دادی و از دوستانش دفاع کردی... شهادت می دهم که تو هر چه در توان داشتی، انجام دادی».

مظهر شهادت

سلام بر ابوالفضل، فرزند امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)؛ که با جانش با حسین (علیه السلام) مواسات ورزید، از دنیایش برای آخرت بهره برد و خود را فدای برادر کرد. روزهای آغازین ماه شعبان، ولادت این دو برادر را در خود دارد؛ دو برادر بزرگواری که نام شان در ذهن هر مؤمن شیفته ای، تداعی گر قلّه های بلند حماسه و سرافرازی است. حسین و ابوالفضل (علیهما السلام)، نام های قدسی هستند که چشم اندازی از اخلاص، عبودیت، دلیری و ایثار را پیش دیدگان آدمی می گشایند و در درون او، تواضع و حیرتی وصف ناشدنی را برمی انگیزانند. حضرت ابوالفضل (علیه السلام)، پرچم دار لشکر اخلاص و شهادت، مظهر دلدادگی به معبود، و نمود مجسمی از یک انسان کامل است. او بزرگ مردی حماسه آفرین است که در قیامت، شهیدان بر مقام او رشک می برند. او پرچم داری است که یادمان دلاوری و آزادگی وی، پیوسته در تاریخ جاری است. سلام همه ی صالحان و پاکان، بر روان پاک آن دریا دل باد؛ سلامی تا سپیده دمان ظهور

طلیحه ی آگاهی

حضرت ابوالفضل (علیه السلام) ، پرچم داری است که ولادتش، طلیحه ی آگاهی، ایمان، دلاوری و آزادگی است. او بیرق دار فریادگری است که در دشت نینوا بر شب تاخت و هیمنه ی دروغین تیرگی ها را درهم ریخت. آن والا مرد، بزرگ عشق، در دشت خون و رهایی شد. عزیزی که فداکاری ها و ایثارگری هایش، اندیشه های سبز ایثارگران ما را به نور و روشنایی هدایت کرد و باغستان تفکر جانبازان رشید ما را، سرسبزی و طراوتی جاودانه بخشید.

رزم آوری

حضرت ابوالفضل (علیه السلام) سواری خوش سیما و تنومندی است که در زیبارویی، «ماه بنی هاشم» خوانده می شد و در تنومندی به گونه ای بود که چون بر قوی هیکل ترین اسبان می نشست، پاهایش بر زمین کشیده می شد. در قدرت و رزم آوری چنان شیر خشمگین بر لشکر کفر و الحاد می تاخت؛ به قدری تار و مارشان کرده بود که دیدن او، دل دشمن را به لرزه می انداخت. گروه گروه افراد با چهره هایی وحشت زده از پیش او می گریختند و دلاوران لشکر آن گروه نامسلمان، به تیغ شمشیرش، رو به جانب دوزخ می نهادند.

سلام بر ابوالفضل (علیه السلام)؛ بزرگ مردی که به یمن نام بلندش، پرواز را می آموزیم و یادش هماره در مینای عشق می درخشد. سلام بر ابوالفضل (علیه السلام)، که سرو بلند آزادی را بر بام تاریخ ما می کارد، آینه های طور و تجلی را در برابر جوانان ما می افرازد و پرچم صلابت و سادگی، صبر و ایستادگی، شهادت و مردانگی را بر ایوان آیین زندگی جانبازان عزیز ما به اهتزاز در می آورد. سلامی ویژه، از هر سپیده دمان، تا هر شام گاهان، هزاران بار!

ترنم شگفتن نوگلی معطر

اینک، گلخنده های آسمان و زمین، و زمزمه های شورانگیز بلبلان شیدا، در سال روز میلاد حضرت عباس (علیه السلام) به گوش می رسد. دریچه ای از شادی بر دل ها گشوده شده و رنگین کمان شوق، فضای زندگی را آراسته است. صدای هلهله ی شادمانه ی عرشیان به گوش می رسد و ترنم شگفتن نوگلی معطر در باغستان توحید، دل ها را مفتون و مجذوب خویش ساخته است. عباس می آید و صفا و زیبایی و پاکی را به ارمغان می آورد. عباس می آید و کرامت و فضیلت و شهادت را با خود به همراه می آورد. مردی می آید که ابر رحمت اندیشه اش، همه ی تشنگان فضیلت را سیراب می کند. آری، اینک هوا عطر آلود و عنبرآمیز است و آبخاری از نور، از خنده های شادمانه ی خورشید، به مهمانی زمین آمده است. عباس بن علی (علیه السلام) به دنیای خاکی، گام نهاده است؛ هم او که آیه ی روشن کتاب استقامت است؛ بزرگ وارث ایثار و خون، پاسدار ایمان، یگانه ی دوران، وسعت همه ی نیکی ها، فرزند خورشید و مرزبان حماسه ی جاوید.

یاران! اینک به احترام قدم های پرصلابت عباس دلاور، عرشیان در گوش خاکیان، حدیث تهنیت می خوانند. این ولادت پریمیمنت بر شما نیز مبارک باد!

دانش ابوالفضل (علیه السلام)

حضرت ابوالفضل (علیه السلام) ، زورق نشین دریای بی کرانه ی معرفت بود. به سان ماه تابان از خورشید وجود پدر، نور می گرفت و با فراستی چشم گیر و دقتی فراوان، خوشه چین خرمن حقایق ولایت بود. علی (علیه السلام) درباره ی دانش اندوزی فرزند خود چنین می فرماید: «همانا فرزندم عباس، در کودکی علم آموخت و به سان فرزند کبوتر که از مادرش، آب و غذا می گیرد، معارف را از من فرا گرفت»

کرامت های ابوالفضل (علیه السلام)

عباس (علیه السلام) به برکت ایثار و فداکاری بی ماندش، قبله ی دل هاست. حرم ملکوتی اش، آرام بخش دل عاشقان است. مردم درمانده ای که از همه جا ناامید شده اند، به بارگاه او که تجلی گاه رحمت الهی است، روی می آورند و شاد و خوشحال بازمی گردند. آن خانه ای که هرگز به روی حاجت مندان بسته نمی شود، خانه ی عباس، بنده ی وارسته ی خداست.

شمایل

حضرت عباس (علیه السلام) ، آیتی از جمال و زیبایی بود. رخساره اش زیبا، اندامش متناسب و نیرومند بود و آثار دلیری و شجاعت را به خوبی نمایان می ساخت. راویان، او را خوب رو و زیبا وصف کرده و گفته اند که رشیدی اندام و قامت ایشان به حدی بود که بر اسب نیرومند و بزرگی می نشست، ولی در همان حال، پاهایش بر زمین، خط می انداخت.

وفای عباس (علیه السلام) نسبت به برادر

حضرت ابوالفضل (علیه السلام) به پیمانی که با خداوند برای حفظ بیعت خود با برادر، راهبر و امامش بسته بود، وفادار ماند. مردمان در طول تاریخ مانند این وفاداری را ندیده اند و زیباتر از این وفاداری در کارنامه ی وفای

انسانی به ثبت نرسیده است. وفاداری که هرآزاده ی شریفی را به خود جذب می کند.

شعری از سید راضی قزوینی درباره ی علم دار کربلا

«ای ابوالفضل! ای بنیان گذار فضیلت و ایستادگی و خویشتن داری! فضیلت، جز تو را به پدری نپذیرفت. کوشیدی و به اوج عظمت و بزرگی دست یافتی، اما هر کوشنده ای به خواسته اش دست پیدا نمی کند. با عزت و سرافرازی و همت بلند از پذیرش ستم، سر باز زدی و پیکان نیزه ها را مرکب خود کردی».

تسلیم در برابر حق

عباس (علیه السلام) ، اسلام خود را در تسلیم خلاصه کرده بود؛ تسلیم در برابر خدا، و در برابر ولیّ امر مسلمانان. او با صدق و خلوص و آگاهی در راه تسلیم، گام نهاد و هرچه درتوان داشت در طَبَقِ اخلاص، تقدیم راه امام خود کرد و سرافرازانه جان باخت. آری، نتیجه ی آگاهی کامل و ایمان خالص، همین است.

خویشتن داری عباس (علیه السلام)

ابوالفضل (علیه السلام) در روز عاشورا، عزت نفس و خویشتن داری را با تمام ابعاد و آفاقش مجسم ساخت. امویان به شرط کناره گیری از اردوی برادرش، وعده ی فرماندهی کل قوا به او دادند. ولی وی بر این وعده ی آنان تمسخر زد و با شوق و اخلاص به سوی لشکرگاه حسین (علیه السلام) شتافت و در راه دفاع از دین و آزادی، جان خود را فدا کرد.

جهاد با نفس

به راستی که حضرت عباس (علیه السلام) در ستیز با دشمن، سنگ تمام گذاشت. بدنش مجروح گشت، دست

هایش قطع شد، عمود آهنین بر فرقش زدند و تیر به چشم و مشک آب او رسید. کشت و کشته شد. ولی جهاد با نفس او ارزش مندتر است؛ زیرا با لب تشنه، آب را تا نزدیک دهان آورد. آن گاه از لب تشنه ی برادر و کودکان تشنه اش یاد کرد و آب را بر روی شریعه ریخت. و همین نشان دهنده ی جهاد عباس (علیه السلام) با نفس خویش است.

زیارت ابوالفضل العباس (علیه السلام)

زیارت ابوالفضل (علیه السلام) هم چون قدم گاه معرفت است و در این زیارت، گلاویه های عرشی، رایحه ی قدسی به وجود انسان می بخشند. یکایک واژه های آن، عطری از گلزار فضایل علوی در بردارد و مجموعه ی عبارت های زیارت، ویژگی های انسان کامل، عبدی صالح و رادمردی ملکوتی را نشان می دهد. زیارت او، سنخیتی روحی بین انسان و آن شخصیت ملکوتی پدید می آورد.